

تصویر ۱: صحنه‌ای از فیلم «سقای تشنه‌لب» از رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۶۱.

Pic 1: Snapshot from the movie "Saqâ-ye teshneh-lab" by Rasul Mollâqolipur, 1982.

شهید از دو منظر

گزارش: شبنم محمدزاده



ششمین همایش مطالعات پدیدارشناسی منظر شهری با عنوان «شهید در دو قاب: سینما و هنر شهری» شامل یک سخنرانی علمی با عنوان «جنگ و منظر شهری» با حضور دکتر «انیس دوویکتور» مدرس تاریخ سینما در دانشگاه «سوربن»^۲ و یک میزگرد با عنوان «طرح پژوهشی بازنمایی شهید در سیمای شهر تهران» با حضور مهندس مهدی شیبانی^۳ و دکتر شهره جوادی^۴، توسط پژوهشکده نظری و حمایت سازمان زیباسازی دردی ماه ۱۳۹۴ در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری تهران برگزار شد.

جنگ و منظر شهری

شهید در قاب سینما

اگر «میزانسن» را به طور کلی به معنای بازنمایی و خلق دوباره عناصر مختلف اعم از رنگ، نور و غیره در چارچوب یک متن روایی تعریف کنیم، می‌توانیم این مفهوم را وجه مشترک سینما و نقاشی دیواری به عنوان دو رسانه مردمی بدانیم. در عین حال با وجود اشتراکات این دو رسانه یک تفاوت اصلی بین آن‌ها وجود دارد: اینکه حضور ما در سینما امری اختیاری است، اما نقاشی دیواری به دلیل در معرض دید بودن مداوم به نوعی خود را به مخاطب تحمیل می‌کند و به سبب همین حضور مستمر، خطر بی‌اعتنا شدن به آن وجود دارد. دکتر انیس دوویکتور با

بیان این مقدمه، همراه با پخش صحنه‌هایی متفاوت از فیلم‌های دوران جنگ، به ارائه تحلیل‌هایی از سینمای جنگ در ایران و بازتاب مفهوم شهید در آن پرداخت: جنگ ایران و عراق اولین جنگی بود که سینما در آن حضور داشته و به موضوع جنگ پرداخته است. در زمان جنگ بیش از ۳۰ فیلم داستانی در گونه‌های متفاوت با مضمون جنگ ساخته شده و این در تاریخ سینمای دنیا بی‌نظیر است. اما باید توجه داشت که تولید فیلم‌های جنگی در حین جنگ الزاماً به خود جنگ نمی‌پردازد بلکه در ورای آن مسائل دیگری مربوط به تاریخ و فرهنگ کشور مطرح می‌شود. در سال‌های آغازین پس از انقلاب اسلامی تفاوت‌های زیادی در چگونگی روایت جنگ وجود داشته است. در این دوران، جریان‌های مختلف سیاسی در کشور حضور داشته و متعاقب آن، نگاه‌ها و نقطه نظرات متنوعی در عرصه سینما عرضه شدند.

اولین فیلم در سینمای جنگ ایران، فیلم «مرز» ساخته جمشید حیدری بود که به نوعی در چارچوب فیلم‌های وسترن ساخته شده است. در این فیلم، گروه کوچکی نمایش داده می‌شود که خواهان دفاع از ملت و مملکت خود هستند و سرباز عراقی اسیر شده توسط این گروه که در حاشیه تصویر بوده در نهایت با نیروهای خودی همراه شده و به گروهی که روایتگر «ملت» هستند می‌پیوندد. این در حالی است که در فیلم‌های وسترن حتی از نمایش چهره سرخ پوست‌ها امتناع می‌شد. این موضوع، یعنی قائل شدن حق وجود برای دشمن، در فیلم‌های جنگی سینما در دنیا بی‌سابقه است و ویژگی خاص سینمای این دوره در ایران محسوب می‌شود.

فیلم «عقاب‌ها» اثر «خاچیکیان» نیز به عنوان یک فیلم جنگی که در زمان خود بیشترین فروش را داشته، شباهت زیادی به فیلم‌های جنگ هوایی آمریکا دارد. این فیلم بر بسیاری دیگر از فیلم‌های این دوره هم تأثیرگذار بوده است. به موازات این فیلم‌ها که بیشتر سبک هالیوودی و کلاسیک داشتند و تحت تأثیر گونه‌های غربی بودند، گروه دیگری از فیلم‌ها بودند که در چارچوب دفاع مقدس تعریف شدند. مضمون این فیلم‌ها در رابطه با واقعه کربلا بوده و در آن‌ها شاهد خلاقیت بیشتری هستیم. در واقع این فیلم‌ها کدهایی از آن واقعه را به صورت غیرمستقیم به عاریت گرفته و به تدریج در ذهن بیننده ایجاد معنا می‌کند. کشتار و یا شکست نظامی که در زمان

جنگ اتفاق می‌افتاده در همین چارچوب مطرح شده و مبارزان همانند پیروان و صحابه امام حسین نشان داده می‌شوند. در واقع در این فیلم‌ها، جنگ بهانه‌ای برای ارائه مفاهیمی ماورای آن به بیننده بوده است. «رسول ملاقلی‌پور» در یک فیلم کوتاه چهره جدیدی از شهید را به نمایش می‌گذارد. او رزمندگان را همچون یاران امام حسین که خود را فدای آرمانشان کردند، نشان می‌دهد. تمام عناصر به کار گرفته شده در فیلم همچون رنگ و موسیقی در خدمت این هدف قرار می‌گیرند تا به بازشناسی رمزها در ذهن بیننده کمک کند (تصویر ۱). در فیلم‌هایی به کارگردانی «رسول صدر عاملی» چهره شهید را در قاب سینمایی می‌بینیم که شاهدهی است از سوی خداوند و دیگر کشته جنگ نیست. در اینجا مرگی صورت نمی‌گیرد و شهید با چشمانی باز به وصال می‌رسد.

شهید در قاب هنر شهری

اما آیا همان تنوع و پیچیدگی‌هایی که در سینمای جنگ ایران دیده می‌شود در نقاشی‌های دیواری هم وجود دارد؟ دکتر انیس دوویکتور در ادامه سخنرانی خود با مطرح کردن این پرسش به بررسی روایت‌های متفاوت از جنگ و شهادت در نقاشی‌های دیواری پرداخت:

در نقاشی‌های دیواری نیز همانند سینما شاهد دوگانه جنگ - دفاع مقدس هستیم. گروهی از نقاشی‌های دیواری به نوعی بازنمایی کلاسیک از جنگ هستند، و در گروهی دیگر از نقاشی‌ها تلاقی جهان واقعی و عینی با جهان ذهنی، یعنی همان بُعد مقدس و نمادین واقعه کربلا به نمایش درآمده است. در طول زمان نیز تحولاتی در هنر نقاشی دیواری به وجود آمد. در سال‌های پس از جنگ، بیشتر با نقاشی‌های دیواری واقع‌گرا و کلاسیک مواجه هستیم که در آن‌ها چهره شهید عین به عین تصویر می‌شد. اما نقاشی‌های دیواری جدیدتر به تدریج حالت انتزاعی‌تری پیدا کرده‌اند (تصویر ۲). حضور واقع‌گرای شهید در این نقاشی‌ها کم‌رنگ‌تر شده و در عوض شاهد تصاویری عادی و روزمره هستیم که به نوعی دارای تحرک و پویایی هستند تا علاوه بر نو بودن یاد شهدا را در اذهان مردم زنده نگه دارند.

حضور شهید در منظر تهران

دومین بخش همایش شامل میزگردی بود که با سخنرانی مهندس شیبانی آغاز شد. وی با بیان مقدمه‌ای درباره

رابطه‌ی منظر با دیگر هنرها، به ویژگی‌های «هنر مردمی» و ادراک جامعه از آن پرداخت :

معماری منظر را می‌توان زیرمجموعه‌ی گروه هنرها در نظر گرفت. هنرها در عالم معنا رابطه‌ی ذهنی و نزدیکی با یکدیگر دارند. در اروپا رابطه‌ی بین هنرها و منظر، از قرن سیزدهم یا چهاردهم تا حدودی گسترش پیدا کرد. در قرن پانزدهم میان تندیس‌گرایی و معماری منظر، و در قرن هجدهم میان معماری، معماری منظر و سینما ارتباطی برقرار شد.

در ایران در آثار باقی‌مانده از کاخ باغ‌ها، همچون تخت جمشید، آینده‌ای که در آن معماری به معماری منظر می‌پیوندد عینیت پیدا کرده است. با وجود اینکه آثاری از باغ تخت جمشید باقی نمانده، اما تمام حجاری‌هایی که در کنار محوطه و پله‌های تخت جمشید وجود دارد فصل مشترک میان هنرها را آشکار می‌سازد.

در دوران اسلامی هرچند نقاشی‌های زیادی به وجود نیامده، اما هنرهایی مثل مرثیه‌خوانی و شاهنامه‌خوانی که در فضای بیرون اتفاق می‌افتادند به نوعی با معماری منظر رابطه برقرار می‌کردند. لازمه‌ی شکل‌گیری این هنرها این است که هنرمندان یک درک مفهومی از عالم معنا داشته باشند تا آن عالم معنا بتواند در عالم عین، معنا بخشی کند. آن فرهنگی که به این عالم، معنا می‌بخشید همان فرهنگ عام (مردمی) بود. هنر ما، هنری مردمی است؛ پس باید درک مفهومی مردمی داشته باشیم. درکی که با فرهنگ قومیت و فرهنگ دین ترکیب شده و خروجی آن برای ما آشنا و قابل پذیرش است. هنر ما در عین حال هنری است که یک ذات مفهومی الهی در خود دارد و در واقع بخشی از آن، هنری قدسی است.

تفاوت هنر شهری با سینما در این است که هنر شهری به نوعی هنر جمعی و مردمی است؛ اما سینما هنری است برای مردم. در هنر مردمی، خالق هنر در واقع خود مردم هستند اما در سینما، خالق هنرمندی است که فرهنگ را شناخته و هنر را به مردم ارائه می‌کند. تفاوت عمده دیگر در این است که هنر شهری، هنری دائمی است که به نوعی با زندگی مردم عجین بوده و مردم هر روز با آن سروکار دارند؛ اما با هنر سینما به صورت لحظه‌ای ارتباط برقرار می‌کنیم و بعد به خاطره می‌پیوندد.

مهندس شیبانی در پاسخ به یکی از حاضران که درباره اهمیت حضور و بازنمایی شهیدان و اسطوره‌های مقاومت در منظر شهری پرسیده بود، اشاره کرد: جامعه احتیاج دارد تا هویت خود را از گذشته به آینده بیاورد. چگونگی

به حال آوردن مطرح است؛ آیا باید از طریق فیلم باشد یا نقاشی دیواری؟ چه کسانی موظف به انجام این کار

هستند؛ مسئولین دولتی، مردم یا دانشگاه‌ها؟ در ادامه بحث خانم دکتر جوادی به لزوم خلق شیوه‌های نو در هنرهای شهری برای حفاظت از میراث حماسی مذهبی و ملی ما در این زمینه، و همچنین نقش هنرمندان، دانشگاهیان و مسئولین در این مورد اشاره کرد: «ما طی ۱۵ سال اخیر در زمینه هنرهای تجسمی فرهنگ و هنر غربی را الگوی خود قرار داده‌ایم و تصویر شهید رفته‌رفته از هنر شهری حذف شده است. در دوران جنگ و انقلاب خیلی از کارها به صورت خودجوش انجام می‌گرفت و برای مردم آن دوران جالب بود اما امروز این امر امکان‌پذیر نیست... هنر نقاشی دیواری نباید کلیشه‌ای، فرمایشی و دولتی باشد. در این میان نظارت و برنامه‌ریزی‌های وزارت ارشاد و سازمان زیباسازی به همراه حضور اساتید هنرمند دانشگاهی، متخصصین، هنرمندان و جامعه‌شناسان لازم است تا بتوان هنر شهری را سامان بخشید. هنرمندان جوان باید با توجه به پیشینه بسیار غنی که در زمینه هنر و منظر شهری داشته‌ایم، هنر جدیدی خلق کنند. برخی از آثار که شاخص هستند باید بر روی دیوارها و برخی به صورت یک هنر موزه‌ای حفظ شوند. در کنار این هنرها باید هنر جدیدی نیز خلق شود که نسل جوان ما بتواند با آن ارتباط برقرار کند.»

مهندس شیبانی در رابطه با سخنان دکتر جوادی خاطرنشان کرد: کارهای هنری خودجوشی که صورت گرفته، توسط هنرمندان گمنام بوده که از بطن جامعه برخاستند و خود تشخیص دادند که در کدام قسمت شهر یا بر روی کدام دیوار اثر خود را بیافرینند. آن‌ها هنر خود را بر روی دیوارهایی خلق کردند که تضمینی برای حفظشان وجود نداشت. این یک هنر مردمی است که از بطن جامعه و مردم بلند شده است.

وی اضافه کرد: ما به دنبال برگرداندن این آثار به موزه‌ها نیستیم. اگر هدف ما این بود، تا به حال این کار بارها انجام شده بود. در شهر موزه شهید، دفاع مقدس، مقابر، یادمان‌های شهدا و نظایر این‌ها وجود دارد که بیان سوژه را به خوبی انجام می‌دهد. هدف ما چگونگی این بیان در خارج از سازه‌های شهری و در مکان‌هایی است که جزء فضاهای شهری هستند. معماران منظر، هنرمندان و نقاشان باید میان مردم باشند تا عین آن‌ها و برای آن‌ها باشند و عشق و نیاز آن‌ها را حس کنند. در واقع چگونگی برگرداندن این

مفاهیم به جامعه مردمی بسیار حائز اهمیت است. خانم دکتر دوویکتور نیز درباره نحوه بازنمایی خاطرات گذشته در نقاشی‌های دیواری افزود:

پاسخ شهرداری تهران به نحوه ارائه این خاطرات پس از گذشت ۳۰ سال بسیار جالب است. در واقع از محافظه‌کاری دوری شده و تلاش بر این بوده که شکل و فضای عرضه و محلی که این آثار خلق می‌شوند دستخوش تغییر و به روز شده و این حافظه جمعی به شکل جدیدی دوباره عرضه شود. در منظر شهری ما باید دنبال اشکال دیگری باشیم. می‌توان با ایجاد باغ یا فضای سبز، مکانی را برای حفظ این آثار در نظر گرفت. باید شجاعت خلق اشکال نو و بدیع را داشت.

وی در پاسخ به یکی از حاضران که درباره ارتباط کم نسل جوان با موضوع جنگ و شهادت در مقایسه با نسل قبل و جایگاه آثار هنری مربوط به آن‌ها در هنر شهری و مردمی بودن آن پرسیده بود، اظهار داشت:

عمدتاً این وظیفه نسل شماست که به این سؤالات بپردازد. در واقع باید شکل جدیدی از لحاظ زیبایی‌شناسی خلق کند تا هیجان‌ات جدیدی که منشأ هنر هستند ایجاد شود که شعار نبوده و از جنس ادبیات باشد. یافتن یک شکل جدید در فضای آزاد نباید تحمیلی از طرف دستگاه‌های متولی هنر یا دولت باشد. نسل بعد از جنگ جهانی دوم در فرانسه با فاصله گرفتن از جنگ به گونه‌ای متفاوت به این موضوع پرداختند اما این بدین معنا نبود که در آثارشان، جنگ و تلاش‌هایی که در زمان جنگ بوده غایب باشد. امروز نسل جدید با جنگ جهانی دوم رابطه قوی‌تری دارند تا خود نسل درگیر با جنگ.

مهندس شیبانی در جمع‌بندی می‌زگرد اشاره کرد: کسانی که تمامیت ارضی ما را حفظ کردند جزو افتخارات و ارزش‌های ما هستند. در نتیجه باید ابزاری برای بیان این افتخارات بیابیم. ابزاری که از درون و ذات ما تراوش کند. هنر را نمی‌توان دیکته کرد. این آثار، آثار باارزشی هستند چون عمل باارزش پشتشان صورت گرفته است. در نتیجه حمایت و حفظ این ارزش‌ها حائز اهمیت است. باید این سیر ادامه پیدا کند و این کاری است که جوانان ما باید انجام دهند؛ کاری که از درونشان برآمده باشد.

پی‌نوشت

۱. Agnès Devictor
۲. Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne
۳. استاد معماری منظر در دانشگاه شهید بهشتی
۴. استاد تاریخ هنر در دانشگاه تهران

Martyr in Two Frames

Report: Shabnam Mohammadzadeh

تصویر ۲: استفاده از عناصر انتزاعی و نمادین در بازنمایی تصویری شهید در نقاشی‌های دیواری. مأخذ: غضبانیپور، جاسم. (۱۳۸۹). شاهدان شهر، تهران: تیس.

Pic 2: Abstract and Symbolic elements used to represent Martyr in mural paintings. Source: Qazbanpour, J. (2010). Shahedan-e shahr [Witnesses of city], Tehran: Tis.



The sixth conference of urban landscape phenomenology entitled “Martyr in Two Frames: Cinema and Urban Art” was held in the Tehran’s Institute for Culture, Art and Architecture Studies in December 2015.

The conference started by Dr. Agnès Devictor’s lecture on “War and the urban landscape”. Dr. Devictor is assistant professor in History of cinema at Sorbonne University. She presented an analysis of the cinema of war in Iran and the reflections of martyr concept in this art.

She indicated a general dualism in representation of war and martyrdom concept in Iranian cinema by analyzing some examples. While some movies demonstrate a classic narration of war under influence of western genres the others were produced in framework known as “sacred defense”. This second type of movies point to Karbala incident and demonstrate more creativity. In fact, in these movies, war is a pretext to deliver concepts beyond itself to the audience.

Also regarding urban art with the theme of war and martyrdom, she added; like cinema, we can witness the dualism of war-sacred defense in mural paintings in Iran. Some represent a classic demonstration of war and in the others an intersection of the real world with the subjective world, that is the symbolic aspect of Karbala incident, is displayed. In the early years after the war we observe more classic wall paintings in which the exact face of the martyr was depicted in a realistic way. However, the recent paintings display more abstract concepts of martyrdom.

The second part of the conference entitled “A Research on representation of martyrs in Tehran’s Landscape” continued by the presence of Mr. M. Sheibani, professor of landscape architecture at Shahid Beheshti University and Dr. Shohreh Javadi, professor of art history at University of Tehran, and

began with a speech by Mr. Sheibani. Having introduced the relation of landscape with other kinds of art, he explained “Folk Art” and society’s perception of it. He mentioned: our art is a kind of pop art combined with ethnicity culture and religion culture. Meanwhile, our art has an essence of divinity in itself and a part of it is actually sacred.

The urban art and cinema are different; since urban art is a kind of collective folk art, while cinema is an art for people. The creators of art in folk art, are in fact the people themselves while in cinema the creator is an artist who has fully known public culture and tries to present it to people. The society needs to bring its past identity to the future. How these identities have to be presented, by films or wall paintings? Who is responsible to do it, government authorities, people or universities?

Dr. Javadi indicated the need to create new practices in urban arts to preserve our epic national and religious heritage in this field, and mentioned the role of artists, academics and administrators of this case. She quoted that young artists should be given the rich history that we’ve had in the field of arts and urban landscape in order to create new art. Some of the artworks can be depicted on city walls and some should be maintained as museum art. In addition, new types of art have to be emerged with which our young generation can communicate.

Mr. Sheibani finished his speech quoting that those who maintained our territorial integrity have brought us honor. As a result, we should look for ways to express this honor. Art cannot be dictated. Landscape architects, artists and painters have to be with people, feeling their love and needs. In fact, the way these concepts are delivered to people is of great significance.